



## چگونه می‌توان میان هویت جهانی و هویت ملی جمع کرد

این نوشتار به دنبال بررسی آرای قوام آنتونی آپیا فیلسوف سیاسی معاصر و استاد فلسفه دانشگاه پرینستون در خصوص چگونگی جمع میان هویت جهانی و هویت ملی است.

این نوشتار به دنبال بررسی آرای قوام آنتونی آپیا فیلسوف سیاسی معاصر و استاد فلسفه دانشگاه پرینستون در خصوص چگونگی جمع میان هویت جهانی و هویت ملی است.

آنتونی آپیا فیلسوف و نظریه پرداز فرهنگ معاصر و استاد فلسفه دانشگاه پرینستون است که دیدگاه‌های او در حوزه‌های متنوع علوم انسانی از جمله اخلاق، فلسفه سیاسی و فلسفه اجتماعی، مطالعات آمریکا و آفریقا و مطالعات چندفرهنگ‌گرایی حائز اهمیت است.

آپیا در کتاب خود با عنوان "اخلاق هویت" به عناصر سازنده هویتی در ادوار گذشته می‌پردازد و نسبت میان فردیت و هویت جمعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

به اعتقاد او نژاد، قومیت، ملیت و جنسیت در دهه‌های گذشته در مباحث مربوط به هویت و تعیین هویت جمعی نقش بسزایی داشته‌اند.

آپیا معتقد است گاهی توجه به این ارزشها باعث می‌شد سایر ارزشها تحت الشعاع آنها قرار گیرند. نسبت میان هویت جمعی و فردیت از موضوعاتی است که در بحث هویت جلب توجه می‌کند.

آیا هویت جمعی به معنای محدودیتهای آزادی فردی است؟ اگر چنین است تا چه میزان هویت جمعی فردیت و آزادی فردی ما را محدود می‌کند؟

آپیا در این اثر با مطالعه آثار و دیدگاههای سایر اندیشمندان به این پرسشهای اساسی پاسخ داده است.

آپیا در این کتاب می‌گوید اخلاق هویت دربردارنده ادعاهای مربوط به فردیت (که شامل وظایفی است که زندگی ما را می‌سازد) از یک سو و ادعاهای مربوط به هویت (که مشتمل بر عناصر اجتماعی سازنده هویت که ما را قادر می‌سازد هویت جمعی خودمان را تعریف کنیم) از سوی دیگر است.

آپیا در تبیین چالشهای میان هویت‌های فردی و هویت‌های جهانی تأکید می‌کند که هویت و فرهنگ فردی تا زمانی قابل احترام است که به ارزشهای شناخته شده بشری و مردم آسیبی وارد نسازد.

در واقع این همان مرزی است که هویت اجتماعی ما، هویت فردی ما را محدود می‌سازد و زندگی فردی ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

یکی از مباحثی که آپیا در کارهای خود مورد مطالعه قرار داده و به طور جدی به آنها پرداخته بحث "هویت جهانی" است. پرداختن به همین موضوع بود که جایزه "برمن" را نصیب این فیلسوف معاصر و استاد فلسفه دانشگاه پرینستون آمریکا کرد.

او با اعتقاد به نگرش جهان وطنی می‌گوید انسانها برای اینکه در مقابل یکدیگر پاسخگو باشند باید هویتی جهانی داشته باشند.

آپیا هویت ملی را نفی نمی‌کند ولی معتقد است به رغم حفظ هویت ملی باید هویتی جهانی را در نگاه به مسائل انسانی مورد توجه داشت.

آپیا متأثر از سنت فلسفی جهان وطنی است. این سنت متأثر از آرای فیلسوفان آلمانی از هگل تا "بویس" است.

یکی از آثاری که آپیا به طور مبسوط به دیدگاه‌های جهان وطنی خود پرداخته مقاله "آموزش برای شهروندی جهانی" است. او ایده خود در مورد جهان وطنی را در این مقاله شرح داده است.

نکته ای که آپیا در بحث جهان وطنی مورد تأکید قرار می دهد "تفاوت" است. یعنی او می‌گوید "جهان وطنی به علاوه تفاوت".

اما سازه‌ای که آپیا از دو موضوع "جهان وطنی" و "تفاوت" می سازد مبتنی بر تقدم "جهان وطنی" بر "تفاوت" است.

در واقع در بحث جهان وطنی، آپیا به هیچ عنوان هویت‌های فردی(تفاوت) را انکار نمی کند بلکه در مقایسه به جهان وطنی(هویت جهانی) برای آن تأخر قائل است. از رهگذر همین تأخر است که انسان خود را متعلق به جامعه جهانی می داند و مسئولیت جهانی خود را باز می شناسد.

او معتقد است که "هویت‌های متفاوت قابل احترام هستند". او بر آن است که این احترام تنها به سبب موضوعات و مسائل مرتبط با فرهنگ نیست بلکه به سبب موضوعات و مسائل مرتبط با خود انسان است.

اگر چه تأکید و توجه بر هویت‌های فردی و فرهنگ جوامع مختلف یکی از چالش‌های دیدگاه هویت جهانی است ولی این به معنای بن بست نیست.

آپیا معتقد است از رهگذر تمرین "شهروند جهانی" می توانیم در عین "تفاوت" به دیدگاه‌های مشترک رسید و متوجه مسئولیت‌های جهانی شد.

او گفتگو میان فرهنگها را به ویژه بعد از حادثه 11 سپتامبر مورد تأکید قرار می دهد.